

بی سخن آوازه عالم نبود

تهیه و تدوین: سعیده اصلاحی

در پایان آن روز

... که مثل هیچ روزی نبود، بهاری بی نظیر سر
از برف در آورد:
غم مخور البته چو غمخوار هست
گردن غم بشکن اگر یار هست
این سفر از راه یقین رفته‌اند
راه چنین رو که چنین رفته‌اند...
خمسۀ نظامی

امام عاشقان و عارفان برای بازماندگان عاشق نوشت:

«من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای
واجب حق و فریضۀ دفاع از مسلمانان آماده
نموده‌ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم»؛
«قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها و نوکران آنان مطمئن
باشند که اگر «خمینی» یک‌ه و تنها هم بماند
به راه خود که مبارزه با کفر و ظلم و بت پرستی
است ادامه می‌دهد»؛

«و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام،
این پابره‌نهای مغضوب دیکتاتورها، خواب
راحت را از دیدگان جهان‌خواران و سرسپردگانی
که به ستم و ظلم خویش اصرار می‌نمایند، سلب
خواهد کرد»؛

«امروز، روز هدایت نسل‌های آینده است، امروز
روزی است که خدا این‌گونه خواسته است و
دیروز، خدا آن‌گونه خواسته بود و فردا ان‌شاءالله
روز پیروزی جنود حق خواهد بود»؛
«... خواست خدا هر چه هست در مقابل آن
خاضعیم و ما تابع امر خدایم و به همین دلیل
طالب شهادتیم»

و همان امام چنین سرود:

الا یا ایها الساقی زمی پرساز جامم را
که از جانم فرو ریزد هوای ننگ و نامم را
از آن می‌ده که جانم را ز قید «خود» رها سازد
به خود گیرد زمامم را، فرو ریزد مقامم را
به ساعر ختم کردم این عدم اندر عدم نامه...
... به پیر صومعه برگو بین حسن ختامم را
... و سلام علیه یوم و ولد و یوم یموت و یوم
یبعث حیًا

جنبش اول که قلم برگرفت
حرف نخستین ز سخن در گرفت
چون قلم آمد شدن آغاز کرد
چشم جهان را به سخن باز کرد
بی سخن آوازه عالم نبود
... این همه گفتند و سخن کم نبود
مخزن‌الاسرار نظامی

پیامکی برای دلت

... سال‌ها بود صدایی از کوه در نمی‌آمد و رودها مثل اشک بر
گونه صخره‌ها قندیل بسته بودند اما یک روز که مثل هیچ روزی
نبود، باد با ابرها در افتاد و در دوردست رعدی پیچید.
... کوه، برف‌های هزاران ساله را از شانه‌هایش تکاند... بهمن راه
افتاد... کوبنده و نفسگیر... سر راهش، تمام پیکره‌های یخ زده را
شکست و با خود به ناکجا برد.

روزنه‌ای رو به دانایی

نگاهی به کتاب: مدرسه سالم - راهنمای عملی برای کمک به رشد عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان
نویسنده: سایمون بلیک - جولیا برد لین گراچ
ترجمه دکتر زهرا بازرگان
انتشارات سخن

یکی از مهم‌ترین چالش‌های ما در مدرسه این است که به مسئله کودکان و نوجوانان آسیب‌پذیر توجه کنیم و در برقراری رابطه با آن‌ها و آنچه نیاز دارند و آنچه برای کمک به آن‌ها در کشف راه‌های تازه‌ای برای تفکر و عمل به آن لازم است، بکوشیم.

تا زمانی که این موضوع مهم را در اولویت قرار ندهیم همه تلاش‌های ما برای بهبود یادگیری آنان و تحقق اهداف سلامت عمومی بی‌نتیجه خواهد ماند.

بسیاری از دانش‌آموزان در شرایطی به مدرسه می‌آیند که در زندگی با انواع خشونت، بی‌توجهی، شرایط نامناسب زیستی و... روبه‌رو هستند و متأسفانه تعدادشان نیز رو به افزایش است.

برای بسیاری از این دانش‌آموزان، محیطی امن محسوب می‌شود که راه‌های مختلفی را برای تجربه به آنان بیاموزد. مدرسه باید با ایجاد رابطه‌ای اطمینان‌بخش و ارائه راهکارها و فعالیت‌هایی متناسب با مراحل رشد آنان، نقش معناداری ایفا کند تا دانش‌آموزان برای رشد و پیشرفت نه‌تنها تحقیر نشده، بلکه حمایت و هدایت شوند.

تأمین سلامت عاطفی دانش‌آموزان نه‌تنها به‌عنوان حق مسلم آنان برای برخورداری از بهداشت روانی مطرح است بلکه از این جهت نیز حائز اهمیت است که عواطف و هیجانات هر فرد نقش عمده‌ای در یادگیری و چگونگی رفتارهای وی خواهد داشت.

کتاب حاضر منعکس‌کننده صدای دانش‌آموزان در مورد نیازها و انتظارات آنان از بزرگ‌ترها در خانه، مدرسه و جامعه است و وظیفه عمده مدرسه را در تأمین نیازهای عاطفی و اجتماعی آنان در ارائه و تثبیت ارزش‌ها آشکار می‌سازد.

مطالب این کتاب، مدیران و معلمان را با رویکردهای نوآورانه و راهبردهای عملی برای کمک به سلامت روانی دانش‌آموزان آشنا می‌سازد و به چگونگی و هدایت برنامه‌ها و فعالیت‌های مدرسه در این زمینه می‌پردازد.

ترجمه این کتاب به کودکان و نوجوانانی تقدیم شده که گاه در سخت‌ترین شرایط زندگی و به‌رغم تمام مشکلات اقتصادی و فرهنگی خانواده خود به مدرسه می‌آیند تا شاید در این تنها پناهگاه، مربیان و معلمان دلسوزی بیابند که آنان را همان‌گونه که هستند بپذیرند، دوستشان بدارند و در مسیر پرستگلاخ رشد و موفقیت تحصیلی از آنان حمایت کنند.



یار دبستانی من

گزیده‌ای از کتاب «دریاری»، مجموعه رباعیات بهروز آورزمان - دبیر ادبیات - منطقه ۱۴ تهران با حادثه، هم مسیر بوده دریا
عمری انگار اسیر بوده دریا
شاید که به خاطرات خود می‌گرید
شاید روزی کویر بوده دریا

اینجا شهر مردنمایان دوروست
هر کوچه آن حکایت سنگ و سیوست
حیرت نکنید اگر که تشنه‌ست حسین(ع)
از کوفه همان برون تراود که در اوست

از درد پری و بی‌دوایی یک عمر
سرشار ز شور و بی‌نوایی یک عمر
درمان تمام دردهایت، دریاست
ای موج، چرا سر به هوایی یک عمر

... و خدایی که در این نزدیکی است

خداوند گارا نظر کن به جود
که جرم آمد از بندگان در وجود
گناه آید از بنده خاکسار
به امید عفو خداوندگار
چو ما را به دنیا، تو کردی عزیز
به عقبی همین چشم داریم نیز
امید است از آنان که طاعت کنند
که بی‌طاعتان را شفاعت کنند

بوستان سعدی